

رسالت معلم

در تاریخ اندیشه های تربیتی جهان

تألیف: سعید سمعی

www.ketab.ir

سرشناسه	صمدی، سعید، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	رسالت معلم در تاریخ اندیشه‌های تربیتی جهان /
مشخصات نشر	تألیف سعید صمدی؛ ویراستار صدیقه حسین پوریان.
مشخصات ظاهری	تهران: مؤلفین طلایی، ۱۳۹۸.
شابک	م، ۷۹۰ ص: مصور: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
وضعیت فهرست‌نویسی	۹ - ۹۲۸ - ۲۴۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸ : ۶۰۰۰۰۰ ریال
موضوع	فیبا :
موضوع	مشاهیر - دیدگاه درباره آموزش و پرورش
موضوع	Celebrities - Views on education :
موضوع	مشاهیر - سرگذشتنامه
موضوع	Celebrities - Biography :
موضوع	آموزش و پرورش - فلسفه
موضوع	Education - Philosophy :
رده‌بندی کنگره	۳۹۸ ص ۸۵ / ۲۸ ف / ۲۰۳ CT
رده‌بندی دیویی	۲ : ۹۲۰
شماره کتابشناسی ملی	۵۶۰۷۵۳ :

نام کتاب	رسالت معلم در تاریخ اندیشه‌های تربیتی جهان
ناشر	مؤلفین طلایی
تألیف	سعید صمدی
ویراستار	صدیقه حسین پوریان
حروفچینی	سعید صمدی، صدیقه حسین پوریان، محمدرضا فرج‌زاده
طراح جلد	علی زینالی
چاپخانه	چاپ مؤلفین طلایی
قطع	رقعی
نوبت چاپ	اول ۱۳۹۸
شمارگان	۱۰۰ نسخه
قیمت	۶۰۰.۰۰۰ ریال
شابک	۹ - ۹۲۸ - ۲۴۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸



WWW.BOOKGOLDEN.IR

تهران - میدان انقلاب، مابین ۱۲ فروردین و منیری جاوید، خیابان شهید نظری
پلاک ۱۳۰ - طبقه پنجم غربی، تلفن: ۶۶۹۵۰۵۳۲ - ۶۶۹۵۰۶۳۷؛ تلفکس: ۶۶۹۷۱۲۲۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۵	زرتشت (Zarathustra)
۳۷	بودا (Buddha)
۴۳	کنفوسیوس (Confucius)
۵۳	سقراط (Socrates)
۷۳	افلاطون (Plato)
۸۷	ارسطو (Aristotle)
۹۷	آگوستین (Augustine)
۱۰۳	حضرت محمد (ص) (Muhammad)
۱۲۲	فارابی (Al-Farabi)
۱۳۸	ابن سینا (Avicenna)
۱۵۱	غزالی (Al-Ghazali)
۱۶۹	مولانا (Maulana)
۱۹۱	آکویناس (Aquinas)
۲۰۹	ابن خلدون (Ibn Khaldun)
۲۲۷	آراسموس (Erasmus)
۲۳۵	رابله (Rabelais)

- ۲۳۹..... دو مونتینی (Montaigne)
- ۲۴۷..... مارتین لوتر (Martin Luther)
- ۲۵۵..... لویولا (Loyola)
- ۲۶۱..... ژان کالون (John Calvin)
- ۲۶۷..... برونو (Bruno)
- ۲۷۵..... بکن (Bacon)
- ۲۸۵..... کمنیوس (Comenius)
- ۲۹۵..... رنه دکارت (René Descartes)
- ۳۰۳..... اسپینوزا (Spinoza)
- ۳۱۳..... جان لاک (John Locke)
- ۳۲۱..... روسو (Rousseau)
- ۳۳۹..... کانت (Kant)
- ۳۵۷..... ادmond برکه (Edmond Burke)
- ۳۶۱..... جفرسون (Jefferson)
- ۳۶۹..... پستالوزی (Pestalozzi)
- ۳۷۷..... فیخته (Fichte)
- ۳۸۱..... هگل (Hegel)
- ۳۸۱..... رابرت اوون (Robert Owen)
- ۳۹۵..... هربارت (Herbart)
- ۴۰۵..... فروبل (Frobel)
- ۴۱۵..... هوراس مان (Horace Mann)
- ۴۱۹..... کنت (Comte)

۴۲۷.....	امرسون (Emerson)
۴۳۵.....	استوارت میل (Stuart Mill)
۴۴۳.....	کی‌یر کگارد (Kierkegaard)
۴۵۱.....	کارل مارکس (Karl Marx)
۴۶۱.....	اسپنسر (Spencer)
۴۷۱.....	تولستوی (Tolstoy)
۴۷۷.....	ویلیام جیمز (William James)
۴۸۷.....	کرشن اش‌ینر (Kershenshine)
۴۹۳.....	امیل دورکیم (Emile Durkheim)
۵۰۷.....	جان دیویی (John Dewey)
۵۲۷.....	وایت هد (Whitehead)
۵۳۵.....	تاگور (Tagore)
۵۴۱.....	گاندی (Gandhi)
۵۴۹.....	مونته سوری (Montessori)
۵۶۲.....	برتراند راسل (Bertrand Russell)
۵۷۱.....	بردیایف (Berdyaev)
۵۹۹.....	ثرندایک (Thorndike)
۶۰۹.....	واتسون (Watson)
۶۱۹.....	ورتایمر (Wertheimer)
۶۲۷.....	کندل، رابینز (Kandel & Reisner)
۶۳۵.....	ماکارنکو (Makarenko)
۶۴۵.....	هیتلر (Adolf Hitler)

۶۵۱.....	مانهایم (Mannheim)
۶۵۹.....	ژان پیاژه (Jean Piaget)
۶۷۹.....	کارل راجرز (Carl Rogers)
۶۹۷.....	اسکینر (Skinner)
۷۰۷.....	سارتر (Sartre)
۷۲۱.....	بترل (Butler)
۷۲۷.....	لیوتارد (Lyotard)
۷۳۳.....	اسفندیار
۷۵۳.....	رورتی (Rorty)
۷۶۳.....	سخن آخر
۷۶۵.....	منابع و مراجع
۷۷۹.....	واژه نامه

کلیات و مقدمه

تعلیم و تربیت یکی از بنیادهای زندگی اجتماعی انسان است و همواره در زندگی بشر مؤثر بوده است. رابطه‌ی بین آموزش و پرورش با رشد و گسترش فرهنگ و تکامل جوامع تا بدان حد است که می‌توان گفت، به هر نسبت جامعه به پایه‌ی والای از فرهنگ و تکامل برسد، نقش آموزش و پرورش آن نیز در پایه‌ی برتر است. از نظر کانت، هنر تعلیم و تربیت و حکومت‌داری در بین تمامی ابداعات بشر از همه دشوارتر است. به عبارت دیگر، او بیان داشته است که بشر تنها تعلیم و تربیت می‌تواند آدم شود و آدمی چیزی جز آن چه تربیت از او می‌سازد، نیست. بر این اساس، نظریه‌پردازان و متفکران بسیاری درباره‌ی تعلیم و تربیت بحث و بررسی پرداخته و جنبه‌های متفاوت این پدیده را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

لفظ "آموزش و پرورش" در مفهوم وسیع، کلیه فرآیندهایی اطلاق می‌شود که زندگی فرهنگی را برای انسان آموختن می‌کند. نوع انسان همچون همه‌ی موجودات دیگر به صورت بیولوژیک تولید مثل می‌کند، اما زاد و ولد بیولوژیک با توالد فرهنگی یکی نیست. از راه زندگی در فرهنگ و مشارکت در آن، انسان نابالغ به تدریج فرهنگ را اخذ می‌کند و در آن به هم می‌پیوندد. افراد و نهاد‌های اجتماعی متعددی در فرآیند فرهنگی کردن مسئولیت دارند. کارنده، خانواده، گروه همسالان، جامعه، رسانه‌های گروهی، مذهب و دولت همگی بر فرد تاثیر سازنده دارند. بچه‌ی نابالغ از راه زندگی با انسان‌های مختلف شیوه رفتار با بزرگ‌ترها را فرا می‌گیرد. او زبان، اخلاق و رفتار آنان را یاد می‌گیرد.

به مفهومی رسمی‌تر و عامدانه‌تر، آموزش و پرورش در مدرسه تحقق می‌یابد؛ نهاد اجتماعی ویژه‌ای که به منظور پروردن مهارت‌ها، دانش‌ها و ارزش‌های مطلوب در متعلمان تأسیس شده است. کارکنان مدرسه را معلمان

تشکیل می دهند که در خصوص فرآیند های یادگیری متخصص به شمار می آیند. آموزش و پرورش غیر رسمی یا محیطی، با آموزش و پرورش مدرسه ای یا رسمی مرتبط است. اگر قرار باشد که مدرسه در برنامه آموزشی خود توفیق حاصل کند، برنامه درسی و روش های تدریس آن باید در قبال جامعه کار آمد باشند (گوتک، ۱۳۸۹، ترجمه ی پاک سرشت).

تعلیم بیش از هر چیز سپردن دانش به دیگران است، اما دانش زمانی دردمند است که به کار آید و آموزش آن گاه به کار آید که زمینه ای برای پدید آمدن تغییر و تحول در نوآموز گردد، چنان که او را در انجام کارها توانا سازد و بر دایره امکاناتش بیفزاید؛ یعنی زمینه ای گردد برای تربیت که همانا به کار آمدن توانایی است ولی با آن که آموزش می تواند و باید زمینه ای برای پرورش و تربیت باشد خود هیچ یک از آن ها نیست؛ زیرا چه بسا ممکن است که به هیچ دگرگونی نیبجامد. این که آموزش و پرورش زمینه تحول بشود یا نه، بستگی به هدف و روش دارد که در پیش می گیرید. دنیای کنونی شاهد این است که بشر از مهم ترین امكانات آموزشی برخوردار است به گونه ای که به راحتی توانسته است طبیعت را مهار کند و آن را تحت تسلط خود درآورد. اما نکته ی حائز اهمیت این جاست که در این شریعت نه تنها حل نشده، بلکه در برخی موارد، این مشکل دو چندان شده و این است که مسئله ی تربیت و موانع تحقق تربیت حقیقی، باید به دقت مطالعه و بررسی شوند.

موانع تربیت حقیقی و تکامل انسانی، گذشته از تسلیم شدن به تمایلات فردی و پابندی جوامع به سود و زیان، تعصب و تنگ نظری هایی است که سبب می شود انسان را نه هدف، بلکه وسیله به شمار آورند، به جای آن که تربیت انسان را وسیله ای برای تکامل ویژگی های انسانی و اخلاقی در نظر آورند، انسان را بیش تر برای مقاصد خود تربیت می کنند و آن را در جهت اهداف خود به کار می گیرند. بر همین اساس است که فیلسوفان و متفکران، چه

تاریخ اندیشه های تربیتی ■ ۱۷

در دوران باستان و چه در دوران معاصر بر پرورش جنبه های گوناگون انسان تاکید کرده اند تا آدمی بدین وسیله با خود، با طبیعت و سازگاری یابد. با این همه، نظام های گوناگون سیاسی و مذهبی و فرقه ای چه بسا این نکته ها را نادیده گرفته، هم به انسان و هم به آموزش و پرورش همچون وسیله ای برای پیشبرد اهداف خود نگریسته اند.

پیشرفت های علمی انسان ها در عصر حاضر حیرت آور است. پیشرفت هایی که در زمینه های علوم مادی و طبیعی از سال ۱۹۰۰ میلادی نصیب بشر گشته از پنج هزار سال گذشته، بیش تر بوده است (مایر، ۱۳۷۴، ترجمه فیاض). اما برخی از این دستاوردها با پیشرفت اخلاقی همراه نبوده است. در عصر حاضر صنعت، همچون غولی است که انسان را برده ی خود ساخته است. انسان با وجود راحتی، تفریح و سرگرمی ها، بسیار گاه احساس تهی بودن می کند.

فردریک مایر اظهار می دارد: «برای حل مشکلات جهانی سه روش عمده وجود دارد: انقلاب، جنگ و تربیت». وی استدلال می کند که تربیت به آرامی و به صورت سیر تکاملی موثر می افتد. مدینه ی فاضله ی انظار ای ایجاد نمی کند، داروی سحر آمیز نمی دهد و وعده های بی قیود و شرط عرضه نمی دارد. تربیت مستلزم کوشش و انضباط است. تربیت در واقع موثرترین حربه ی بشر برای بقای اوست. بی تردید یکی از اساسی ترین مولفه های در سازگاری، هویت و در نظام تعلیم و تربیت، منابع انسانی آن سازمان است که در این میان نقش علم در آموزش و پرورش از همه آنان برجسته تر و مهم تر است. نیروی مثبت و علمان بزرگ تاریخ جامعه ی بشری با ارزش است. بودا و اخلاقیات او درخاور، کنفوسیوس و راه او برای زندگی در چین، سقراط و دیالکتیکش در آتن و... قرن ها از مرگ این معلمان می گذرد اما اندیشه هایشان هنوز پا برجاست. از این روست که هنری آدامز می گوید: «معلم اثر جاودانی دارد».

بسیاری از معلمان از گذشته های دور مروج امید بوده اند. بودا در بحبوحه ی نظام طبقاتی هند از برابری صحبت می کند. سقراط در روح بشر بارقه ی الهی می بیند. مسیح بیان می دارد که تمامی افراد بشر قابل تربیت هستند و شریعت محمدی، انسان ها را به پابندی اخلاق فرا می خواند.

در دوره ی بحران مراحل تکاملی تمدن، مقام معلم از هر زمان دیگری بیشتر حائز اهمیت است. معلمی تنها یک فعل و انفعال فکری صرف نیست. علمی که با ایمان درس می دهد در حرفه ی خود جذبه ی عشق احساس می کند. اطلاعات اظهار می دارد که عشق از مادیات سرچشمه می گیرند و به قلمرو معنویات می پیوندند، از حوزه ای خاص شروع می شود و جهانی را در بر می گیرد.

فردریک مایر معتقد است: دانش آموزان احساس معلم را نسبت به خود به صورت غریزی ادراک می کنند. در صورتی که معلم بی اعتنا و بی توجه باشد آنان نیز رویه ای ملال آزر خواهد داشت. ولی وقتی معلم کار خود را دوست بدارد، دانش آموزان بر سر شوق می آیند و به ارزش تربیت در پیشرفت خود پی می برند.

تعلیم و تربیت رسمی مستلزم وجود معلم شاگرد است. مفهوم نقش و کنش معلم و شاگرد به دیدگاه فرد نسبت به ماهیت انسان وابسته است. اگر طبق رای فلاسفه تومیست، انسان «روح متجسسی» را حقیقت تلقی شود، در این صورت مفهوم ماهیت انسان و غایت و سرنوشت او با توجه به گرایان درباره ی انسان به عنوان موجودی زیستی، اجتماعی و کلامی خیلی متفاوت خواهد داشت. دیدگاه اگزیستانسیالیست ها که معتقدند انسان سرنوشت خویش را به دست خویش می سازد. با فلسفه هایی که انسان را مقوله ای در نظام متافیزیکی در نظر می گیرند، بسیار متفاوت است. بر پایه ی هر یک از دیدگاه های فوق، نقش معلم و متعلم متفاوت خواهد بود.